

سرمربی روس ها که در کنفرانس پیش از بازی با کنایه بولیوی را تاکتیکی تر از ایران خوانده بود، بعد از برد ۲ بر یک مقابل بوزها تأکید کرد که بازی های زیادی از ایران دیده بوده اما در مصاف رودرو، تیمی متفاوت را مشاهده کرده است: «من هیچ پرسینگ بالایی از ایران ندیدم، مسا بازی های مختلفی از ایسن تیم دیده بودیم اما در مصاف رودرو، چیزی متفاوت را مشاهده کر دیم و من تنها دو سه کرنر و نهایت پنج، شش اوت دستی از آنها به خاطر دارم.»

پیش از بازی صحبت های او را می شد تلاش برای تخریب روحیه ایران خواند اما آنچه بعد از نخستین فیفادای مهرماه بر زبان آورد، واقعیت تلخی بود که نمی توان کتمان کرد. در واقع والری کارپین واقعیتی را بر زبان آورد که هر بسار منتقدان و اصحاب رسانه اشاره ای به آن می کردند با واکنش تند سرمربی تیم مواجه می شدند؛ منتقدانی که تفاوتی نمی کرد از جمع خبرنگاران باشند یا کارشناسان، چراکه در هر صورت مغرضانی خوانده می شدند که تنها به دلیل دشمنی با شخص سرمربی لب به انتقاد باز کر دهاند، اما سرمربی روس ها چه دشمنی ای می توانست با قلعه نویی داشته باشد؟ آن هم بعد از کسب برتری ۲ بر یک.

تنها ۲۰ دقیقه حضور جهانبخش در زمین بازی کافی بود تا ثابت شود انتقادها از دعوت بازیکنی که ماهه بدون تیم است بیراه نبوده؛ هر چند قلعه نویی بارها تأکید کرده نفراتی چون جهانبخش علاوه بر تأثیر فنی، یک وزنه در تیم به شمار می روند اما کاپیتان

ایران دیگر وزنه نیست، وقتی حتی اگر به عنوان یار تعویضی هم به میدان بیاید، کار خاصی جز زدن بازیکن حریف انجام نمی دهد، هر چند داور در عین ناباوری خطای کف پای جهانبخش را در این بازی نادیده گرفت و او را اخراج نکرد اما بی تردید جای استوک های او که گوش ملیوخین را پاره کرد تا مدت ها روی صورت این بازیکن باقی خواهد ماند.

جهانبخش اما تنها بازیکن پرایراد ایران در مصاف با روس ها نبود

و اکثر شاگردان قلعه نویی عملکرد دی ضعیف و پرانتقاد را از خود

به نمایش گذاشتند.

ببرآوند که بعد از چهار ماه روی بار دیگر حفاظت از قفس توری

ایران را به عهده داشت، نتوانست وظیفه خود را به درستی انجام

دهد و آنها که تصور می کردند باز گشت شیرو، چارچوب دروازه

ایران بار دیگر قفل خواهد شد، در یافتند خانه از پای بست ویران

است و یکی دو بازیکن نمی توانند اوضاع از سر و سامان دهند،

هر چند بیرو نتوانست به خوبی از دروازه ایران محافظت کند اما

نمی توان صرفاً او را مقصر در یافت دو گل خواند، وقتی هر بار که

روس ها حمله می کردند، می توانستند با استفاده از فضای پشت

دفاع و ضعف این خط در موقعیت تک به تک قرار گیرند چراکه

رامین رضایان ۷۰ دقیقه نتوانست وظایف خود را به درستی

در سمت راست دفاع ایران انجام دهد؛ مدافعی که علاقه زیادی



در روسیه هیچ حرفی برای گفتن نداشتیم

قلعه نویی اشتباهات تیم ملی را نمی بیند؟

بود و ضربات کرنر؛ در حالی که خط میانی ایران انفرات با تخریب های

چون سامان قدوس، عزت الهی و نورافکن تشکیل می دادند؛

بازیکنانی که یکی ضعیف تر و کندتر از دیگری بودند و در ایجاد

موقعیت برای سه بازیکن خط حمله ضعیف و کاملاً ناکام، هر چند

طارمی و محبی هم در خط حمله هیچ حرفی برای گفتن نداشتند

و تنها امیرحسین حسین زاده، به واسطه تک گلی که وارد دروازه

ماثوی سافونوف کرد، خودی نشان داد.

در نبود سردار به دلیل مصدومیت همه نگاه ها به مهدی طارمی

بود؛ لژیونر فوتبال ایران که عملکردش برابر روس ها نیز همانند

دو دیدار اخیرش در المپیاکوس بسیار ضعیف بود و پرانتقاد،

به طوری که رسانه های یونان بعد از بازی با آن سال و پانوک،

می رفت و مرتباً مر تکب خطاهای وحشتناک می شد. اینکه

چه لزومی وجود دارد چنین بازیکن بی انگیزه ای حتماً در

ترکیب تیم ملی حضور داشته باشند را باید از سرمربی تیم

پرسید؛ بازیکنی که به طور حتم در مواقع حساس به تیم

ضربه می زند و در بازی های مهم تر با وجود سیستم کمک داور

ویدئویی حتماً از بازی اخراج خواهد شد.

ذکر این نکته هم لازم است که در تیم ملی چند بازیکن دیگر

هم مانند جهانبخش حضور دارند که مدت ها است از شرایط

آرمانی دور هستند اما حداقلش این است که مانند جناب

کاپیتان به چسان بازیکنان حریف نمی افتند و با خشونت

افسار گسیخته ادعای تعصب نمی کنند. در آخر اینکه نباید

بی خیال رانتهی شد که برخی بازیکنان را در هر وضعیتی به

تیم ملی می رساند، حتی اگر حضورشان به ضرر تیم و باعث

شکست باشد. علیرضا جهانبخش امروز نمونه بارز و جلوی

چشم چنین بازیکنانی است که باید تا تیم ملی خداحافظی

کنند اما گویا رانته های موجود قوی تر هستند.



کره ای ها از رویارویی با تیم های بزرگ نمی ترسند

«آنچلوتی» انگیزه جدید برزیلی ها برای درخشش

بازیکنان داشتیم، برآورده شد و نتیجه خوبی به دست آمد. ما از مسیرهای بسیار متنوعی گل زدیم. فکر می کنم بازی واقعاً خوبی بود. وقتی این عناصر به خوبی اجرا شوند، در جام جهانی الگوهای هجومی و راه حل های بیشتری نیز خواهیم داشت. این یک برد مثبت بود. وقتی به جام جهانی می روید، با دفاع های مستحکمی روبه رو می شوید. در چنین مواقعی، توانایی فردی بازیکنان و قابلیت آنها برای ارائه راه حل ها مهم است. وقتی هدایت تیم ملی برزیل را بر عهده گرفتیم، اولین مأموریت این بود که به عنوان یک تیم بازی کنیم و به عنوان یک تیم برنده شویم. جنبه های مثبت زیادی به نمایش درآمد. از طرفی ترکیب خط حمله بسته به بازی انعطاف پذیر خواهد بود. هر بازیکن ویژگی های متفاوتی دارد. من به جای یک برنامه یکنواخت، انعطاف بیشتری می دهم. دلیل شکست سنگین کره مقابل برزیل این است که برزیل در سطح بسیار بالایی قرار دارد و آنها حرفی برای گفتن نداشتند.»

برزیل با کارلتسو روزهای خوبی را پشت سر

می گذارد و در تخکن هم همه از حضور مرد

«شیرینی» در فوتبال ممنوع شد!



از عجایب فوتبال ایران هر چه بگوییم

کم است. حتماً در جریان هستید که

چهارشنبه گذشته همایشی بر گزار شد که طی آن مسئولان

ریزودرشت فوتبال به همراه مدیران عامل باشگاه ها دور هم جمع

شدند تا مشکلات فوتبال نظیر استاندارد سازی، داور، اخلاقی،

حقوقی، کانون هواداران و برخی موضوعات دیگر را بررسی کنند

و برای حل آنها راه حل ارائه دهند.

خب تا اینجا ی کار که چیزی شبیه شوخی مسخره ای است که

جماعت فوتبالی با آن مردم را سر کار گذاشته اند والا همه خوب

می دانیم تمام معضلاتی که این قماش می خواستند حل کنند،

با وجود خودشان شکل گرفته و حالا می خواهند اقتضای را که

مسب اصلی آن حضور خودشان در فوتبال است، پاک کنند.

بگذریم تا اینجا ی کار که مشخص بود هیچ انفاق خاصی رخ

نمی دهد اما قسمت جالب ماجرا زمانی بود که رئیس کمیته اخلاق

فدراسیون فوتبال از برخی الزامات اخلاقی پرده برداشت تا حساسی

همه را متعجب کند. یکی از مواردی که جناب اسدی مقدم به شدت

روی مرعات آن از سوی مدیران باشگاه ها تأکید داشت این بود

که «هیچ کدام از مدیران و مسئولان شاغل در فوتبال حق ارائه یا

دریافت هدیه مالی ندارند و اصولاً ما در فوتبال چیزی به نام هدیه

حتی در قالب شیرینی هم نداریم و دریافت آن تخلف است.»

واقعا باید برای وضع چنین قانونی در فوتبال به کمیته اخلاق و

کلاً فدراسیون فوتبال و تمام کمیته های زیرمجموعه آن تبریک

گفت. آفرین! عجب قانونی وضع کردید، فقط جای یک سؤال باقی

می ماند و آن اینکه یعنی کار اینقدر بیخ پیدا کرده که حضرات تازه

یادشان افتاده که باید به مدیران باشگاه ها اعلام کنند نه شیرینی

شیرینی کاری قانونی و آزاد بوده؟ خوب اینکه یکی از بدبهی ترین

اصول اخلاقی در مدیریت است ولی گویا فدراسیون فوتبال ایران

تازه به این نتیجه رسیده که باید به مدیران خود و باشگاه های

فوتبال بگوید حق دریافت «شیرینی» ندارند و اصولاً این قانونی

است که تخلف از آن موجب جریمه می شود. فوتبال ایران مقوله ای

عجیب است که هر چه جلوتر می رود، همینطور که به نابودی

کامل نزدیک و نزدیک تر می شود، باعث تعجب بیشتر مان هم

می شود؛ فوتبالی که تخلف از سر و روی آن بالا می رود؛ فوتبال

بیست مال خوری که هر روز بیشتر از قبل ناامیدمان می کند و بیشتر

از قبل در گردابی که حاصل سوءمدیریت در آن است، فرو می رود؛

فوتبالی که تازه پادش افتاده هدیه و شیرینی فسادآور است، ولی

دیر به این فکر افتاده، چون اساس فوتبال دیگر آلوده شده و مانند

یک دندان فاسد تنها راه علاشی از بیخ کندن آن است.

عاشق

اشرف رامین



هواداران انگلیسی، سرمربی آلمانی را ناامید کردند

سکوت ومیلی روی اعصاب توخل

توماس توخل هر کاری می کند رضایت انگلیسی ها را جلب کند و آنها

متوجه تغییرات اساسی تیم ملی کشورشان نسبت به گذشته شوند ولی

هواداران سه شیرها به سرمربی آلمانی روی خوش نشان نمی دهند؛ سرمربی

آلمانی از ابتدای سال رسماً کارش را روی نیمکت انگلیس آغاز کرد و از

آن زمان برای پیاده کردن فلسفه خود در تیم و همچنین ایجاد تغییرات

بنیادین زحمت زیادی کشیده است. استفاده از نیروهای جوان و فرصت

دادن به بازیکنانی که کمتر روی آنها حساب می شد، جزئی از این برنامه

است. از سوی دیگر کنار گذاشتن جود بلینگام از ترکیب به دلیل مصدومیت

و هشدار جدی او به تمامی ستاره های انگلیس به نوعی اقتدارش را نشان

می دهد. توخل بارها در صحبت هایش تأکید کر ده هیچ بازیکنی نباید از

جایگاهش در تیم ملی مطمئن باشد. صعود به جام جهانی و درخشش در

این رویداد اصلی ترین هدف انگلیسی ها از به خدمت گرفتن مربی آلمانی

بوده و قراردادش نیز پس از این بازی ها تمام خواهد شد. اتفاقاً سه شیرها

وضعیت ایده آلی در مقدماتی جام جهانی دارند و با ۱۵ امتیاز صدرنشین

گروه K هستند. کسب پنج برد متوالی و جمع کردن هر ۱۵ امتیاز ممکن

نشان از عبور انگلیس از بحران زمان گرت سلوات گیت دارد. تیم ملی

انگلیس سه شبیه در خانه لوتنی به میدان می رود، با این حال توخل ترجیح

داد از فرصت فیفادی استفاده کند و بازی دوستانه با تیم ملی ولز بهترین

گزینه برای حفظ آمادگی تیمش بود. شاگردان توخل در ورزشگاه ومبلی

به سادگی و با زدن سه گل ولز را شکست دادند. به رغم غیبت هر ی کین

و بلینگام، سایر اعضای تیم مشکلی برای مدیریت بازی نداشتند و راجرز،

واکتینز و ساکا زحمت زدن سه گل را کشیدند. سه شیرها برای اولین بار

از سال ۱۹۹۱، در ۱۷ بازی پیاپی موفق به گلزنی شدند. تنها نکته منفی

بازی عدم حمایت کافی هواداران از تیم بود. هواداران حاضر در ومبلی هیچ

شور و هیجانی بابت گلزنی بازیکنان شان و پیروزی تیم شان از خود نشان

ندادند. شرایط جواری پیش رفت که توماس توخل نتوانست جلوی خودش

را بگیرد و این بار از هواداران انتقاد کرد: «تنها ۱/۵ جلسه تمرینی برای

آماده سازی برابر تیمی منسجم داشتیم و خیلی خوب کار کردیم. نیمه اول

عالی بود، خیلی زود با سه گل جلو افتادیم و می توانستیم چهار یا پنج گل

بزنیم، اما وقتی گل چهارم و پنجم را زدیم، ورزشگاه ساکت شد. ساکت!

هیچ انرژی ای از هواداران به ما داده نشد، در حالی که بازیکنان کار زیادی

کردند تا حمایت بیشتری دریافت کنند. در نیمه دوم حفظ ریتم سخت شد،

اما عملکردمان همچنان عالی بود و شایسته پیروزی بودیم. این یک گام رو

به جلوس است. انتظار بیشتری از هواداران داشتم. در ۲۰ دقیقه اول بازی دیگر

چه کاری می شود انجام داد؟ سه گل زدیم، اجازه ندادیم ولز حتی نفس

بکشد، اما برای نیم ساعت فقط صدای هواداران ولز شنیده می شد. این

ناراحت کننده است، چون تیم شایسته حمایت بیشتری بود.»